



# بررسی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری



۱۳۹۸ هـ ش

مؤلف: محقق نجیب الله «امین»

۱۳۹۸ هـ ش

بررسی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری



# Assessing the Relationship of Prophet(s) of Islam and Nasara (Christians)



Author: Najibullah "Amin"

ISBN 978-9936-645-48-6



9 789936 645486

2019





جمهوری اسلامی افغانستان  
اکادمی علوم  
معاونیت بخش علوم اسلامی  
مرکز عقیده و ثقافت  
انستیتوت ثقافت

# بررسی روابط پیامبر اسلام (ﷺ) و نصاری

۱۳۹۸ هـ ش

مؤلف: محقق نجیب الله «امین»

## مشخصات کتاب

---

نام کتاب: بررسی روابط پیامبر اسلام (ﷺ) و نصاری

نویسنده: محقق نجیب الله «امین»

ادیتور و مهتمم: محقق اصحاب الدین «رحمانی»

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم

مطبعه: مطبعه صنعتی چهاردهی

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

تیراژ: ۵۰۰ جلد

ISBN: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۵-۴۸-۶

حق طبع برای اکادمی علوم محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

عنوان	صفحه
نظر استاد رهنما.....	أ.....
تقریظ.....	ز.....
تقریظ.....	ك.....
مقدمه.....	۱.....

### فصل اول

مروری به گذشته موضوع.....	۱۱.....
---------------------------	---------

### فصل دوم

بررسی حقانیت پیامبر (ﷺ) در متون نصاری.....	۳۳.....
مبحث اول: منابع تأییدی بعثت حضرت محمد (ﷺ).....	۳۳.....
مبحث دوم: ارزیابی اعترافات نصرانیان.....	۵۱.....
مبحث سوم: پژوهش متون تحریف شده نصرانیان.....	۵۶.....

### فصل سوم

بررسی ماهیت نصرانیت.....	۸۱.....
مبحث اول: نصرانیت از دیدگاه قرآن.....	۹۲.....
مبحث دوم: نصرانیت از دیدگاه پیامبر (ﷺ).....	۱۳۳.....
مبحث سوم: بررسی نصرانیت معاصر.....	۱۴۹.....

### فصل چهارم

چگونگی روابط پیامبر (ﷺ) با نصاری.....	۱۷۹.....
مبحث اول: قبل از بعثت.....	۱۸۰.....
مبحث دوم: دور مکی.....	۱۹۲.....
مبحث سوم: دور مدنی.....	۲۰۰.....

۲۶۵	مبحث چهارم: بررسی موقف نصاری در برابر اسلام
۳۲۸	مبحث پنجم: شیوه های تطبیق حسن روابط در عصر حاضر
۳۳۹	نتیجه
۳۴۳	پیشنهادات
۳۴۵	مأخذ و منابع

## نظر استاد رهنما

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله.

از جهتی که اسلام قانون خداست و چون جهان هستی مظهر و تجسم قانون او تعالی بوده پس اسلام آئین فطرت و ناموس خلقت است. بنابر همین خصوصیت جهان شمول بودن، اسلام در اوج قلّه تکامل ادیان توحیدی، دین نهایی، کامل، تمام و به عنوان آئین فطرت در آسمان دنیا طلوع کرد تا ظلمت را از روی جهان بزدايد و بشر را بسوی افقهای تابناک رهنمون سازد. ایفای این رسالت به عهدهٔ محمد (خاتم پیامبران ﷺ) گذاشته شد تا بحیث رحمت عالمیان و رهبر جهان به تائید خدا و کسب حمایت مردم در عرصهٔ دعوت با منطق رسا و با شیوه های صلح جویانه نقش اساسی در تاریخ داشته باشد.

بر مبنای همین اصل پیامبر ﷺ به دعوت جهانیان پرداخت در حالیکه دعوتش قطعاً خصوصیت عربی قبیلوی، منطوقوی و زبانی نداشت. خطاب قرآن متوجه ناس یعنی مردم یا عموم بشریت است. در این راستا که خطاب به مؤمنان نیز متوجه امتی است که بدون هیچ نوع خاص خون، رنگ و زبان تشکیل یافته است. یک قسمتی از کار دعوت، دعوت و هدایت است زیرا دین اصیل مسیحیت با ماهیت اسلامی و توحیدی دین اسلام همانگ و بحیث یک حلقهٔ متصل با اسلام نزدیک ترین رابطه با این دین و پیروانش داشته است و هم بمناسبت ارج گذاری از سوی اسلام به پیامبری عیسی



(علیه السلام) و به دفاع از عفت مریم عذری و مبری بودن مسیحیت اصلی از خرافات یکی دیگر از روابط همجواری با دین مسیح می باشد.

این خود میرساند که لزوم دعوت از کتله عظیم مسیحیان همراه با داشتن مناسبات حسنه به لحاظ هم پیکری و مشترکات دینی چنانکه رسالت جهانی در این عرصه را به عهده هر فرد مؤمن مسلمان گذاشته شده است ادامه این روابط طبق فرموده قرآن بجایی خواهد رسید که سر انجام بشر منحرف و دچار ظلمت وقتی میخواهند که به مقتضای فطرت جامعه ایده آل انسانی و نظام برین را بر سراسر جهان بر قرار سازند آنوقت نقش عیسی (علیه السلام) در این راستا اساسی خواهد بود. بنابر آن طبق پلان دورنمایی مرکز عقیده و ثقافت انتخاب عنوان «روابط متقابل پیامبر اسلام ﷺ و نصاری» بحیث پروژه علمی - تحقیقی که به عهده دانشمند محترم معاون محقق نجیب الله (امین) جهت ترفیع به رتبه علمی محقق محول شده بود چون کار این پروژه بمناسبتی که رابطه مستقیم با تاریخ داشت به عهده اینجانب که متخصص تاریخ اسلام و تمدن اسلامی می باشم تعلق گرفت. در این عرصه تا حد امکان محقق موصوف را در راستای کار تحقیقش رهنمایی نمودم. در این اثر با استفاده از منابع معتبر معلومات جدیدی گرد آوری گردیده و با استفاده از شیوه ها یا میتود های مقایسوی، نقد و بررسی کار گرفته شده است که در نتیجه یک اثر مهمی به ارمغان گذاشته شده چنانچه در کشور به این مقایسه در جستجوی حقایق و دور نمودن گرد و غبار شبهات که پرده ضخیمی بر روابط اسلام و مسیحیت گذاشته شده بود کاری صورت نگرفته است. به همین مطلب بیشتر در فصل

اول در زمینه ریشه یابی روابط دو دین توحیدی و بزرگ جهان توجه صورت گرفته است.

در فصل دوم ضمن اینکه محقق محترم منابع معتبر مختلف مسیحی را به ارتباط موضوع به نقد و بررسی گرفته و به اثبات رسانیده که در بسا موارد کتابهای مزبور مژده و اعتراف به بعثت خاتم پیامبران و ظهور اسلام دارند. همچنین در ضمن کار تحقیق این فصل عوارضی که بر دین مسیح (علیه السلام) بدست مغرضان وارد شده تشخیص داده شده تا آنجا که برای اثبات صحت قول خویش اعترافاتی از مستشرقین مسیحی مذهب را اقامه نموده است .

در فصل سوم محقق موصوف از دور ساختن گرد و غبار از روی مسیحیت اصیل، ماهیت نصرانیت را با چهره اصلی آن نمایان ساخته و ضمن اقامه دلایل و اعترافات علمای مسیحی و مستشرقان بیطرف و حق بین در رابطه به حقانیت ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت کار به سزای انجام داده است که یکی هم اعتراف گوینده شاعر معروف آلمان است طوری که میگوید: سالیان درازی بود که کشیشان از خدا بی خیر ما را عمداً از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و حکمت آورنده آن (پیامبر اسلام)، دور نگهداشته اند اما هر قدر که ما در جاده علم و دانش قدم بگذاریم پرده جهل و تعصب نا بجا را می دریم و عنقریب است که این کتاب (قرآن) توصیف نا پذیر عالم را بخود جلب نموده و زود است که تاثیر عمیق در علم و دانش جهان وارد کند که عاقبت محور افکار مردم جهان می گردد.

همچنان "بارسوت سمیت" می گوید: اگر ما کتابی داشته باشیم که آئینه تمام نمای زمان خود باشد فقط همین کتاب (قرآن) کافیست و بس!

## بررسی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری

علاوه از دانشمندان نخبه و متبحر حتی که بموجب درک همین حقایق تعداد بی شماری از اسقف ها و رهبانان مسیحی و علماء و عوام مسیحی مذهب طبق ارشادات انجیل اصیل مشرف به اسلام شده اند.

در فصل چهارم چگونگی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری در دوره های مکی و مدنی متکی به اسناد معتبر به تحقیق، بررسی و نقد گرفته شده است در بسا موارد به رفع شبهاتی پرداخته شده که مغرضان خواسته اند متکی به این روابط رسالت پیغمبر ﷺ را مخدوش جلوه دهند.

همچنان محقق محترم در این فصل موقف شریفانه، داعیانه و صلح جویانه پیامبر اسلام ﷺ را در برابر مسیحیان به بررسی گرفته و نشان داده که در پرتو روح بزرگوار پیامبر ﷺ تعداد زیادی از مسیحیان به اسلام مشرف شده اند و نیز موضع گیری خصمانه مسیحیان در مقابل حسن روابط پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم که با حوصله افزایی پاسخ حاوی مرحمت داده شده و ضمن ارسال نامه ها حقوق مسیحیان را بدون اجبار نمودن شان به قبول اسلام یعنی رعایت آزادی عقیده و بیان شواهد و مدارکی را عرضه نموده است.

در این فصل به اثبات رسیده که صلیبیت، غیر از مسیحیت یک پدیده استعماری است چنانکه با استفاده از انگیزه مذهبی بنام صلیبیت جنگ استعماری که در تاریخ بنام جنگهای صلیبی (از قرن ۱۱ - ۱۳ میلادی) برضد اسلام و مسلمین معروف است این جنگ با تمام بی رحمی و مخالف اصل مسیحیت موجب تلفات جانی و خسارات مالی در جهان اسلام گردید

## نظر استاد رهنما

---

و امروز هم ایجاد انگیزه دشمنی مسیحیان علیه مسلمانان ناشی از همان اهداف استعماری صلیبیت است .

اینک در شرایطی که همه مسلمانان در کار دعوت به طریق مناظره به وجه احسن و یا موعظه نیکو رسالت دارند، ضرورت دیده می شود تا با تماس های در فضای حسن نیت با جهان مسیحیت شرایط را فراهم سازند که یکی از چنین اقدام ها تالیف این اثر ارزشمند است .

بنابر آن این اثر را جهت ترفیع برتبه علمی محقق برای محترم نجیب الله امین مورد تائید قرار داده، از خداوند موفقیت های مزیدی را در راستای تحقیق برای شان خواهانم.

امیدوارم این اثر علمی - تحقیقی جهت استفاده مزید شایقین و خوانندگان بزیور چاپ آراسته شود.

با احترام

معاون سر محقق میر محمد شریف پاکرای



## تقریظ

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و اصحابه و من اهتدى.

الله متعال اسلوب رسالت رسولش محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را چنین بیان میدارد:

"قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي". [يوسف/ ۱۰۸]  
بگو [ای پیامبر] این راه من است که من و پیروانم با بصیرت [همه را] به سوی الله دعوت میکنیم.

الله تبارک و تعالی شیوه دعوت را نیز بیان کرده است:

"ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ". [النحل/ ۱۲۵]

بافروانگی و اندرز های نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و به بهترین شیوه با مخالفان به گفتگو بنشین.

و دین بر گزیدهء الله تبارک و تعالی را که باید مردم به سوی آن دعوت شوند؛ چنین بیان میکند:

"إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ" [آل عمران/ ۱۹]

براستی دین حق و پسندیده در نزد الله متعال اسلام (تسلیم شدن در برابر او) است، اختلاف نکردند اهل کتاب مگر بعد از آنکه علم برایشان آمد، آگاهانه با انگیزه حسد و سرکشی که داشتند؛ اختلاف ورزیدند. و هر که آیات الله را انکار کند [بداند که] الله سریع الحساب است.

در این آیت کریمه علت اصلی مخالفت اهل کتاب را کینه توزی و سرکشی آنها دانسته و میگوید که آنها حقانیت این دین و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را خوب میدانستند؛ اما تعصب و حسد و سرکشی باعث شد که ایمان نیاورند.

بنا بر آن الله متعال هدایت میدهد که باید وجدان آنها را به شور آورده و حقیقت را که در نهاد خود پنهان نموده اند، بیان و منحیث نکته آغاز گفتمان و زمینه ای برای روشن شدن حق استفاده نمود؛ آنجا که میفرماید:

"قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ" [آل عمران/ ۶۴]

بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر کلام [حقی] که بین ما و شما مشترک است، [بایستیم] که جز الله را بندگی نکنیم و هیچ کس را [در قدرت و تدبیر] با او شریک تلقی نکنیم و در برابر الله متعال، افرادی از خود مان را صاحب اختیار [خود] نگیریم، اگر آنها [از پذیرش این پیشنهاد] روی بر تابند، بگوئید: گواه باشید که ما تسلیم [فرمان الله] هستیم.

با در نظر داشت اینکه این دعوت و گفتمان مستلزم تأمین روابط است و تنها مسئولیت پیامبر صلی الله علیه و سلم نبوده؛ بلکه مسئولیت امت نیز

## تقریظ

است؛ مرکز عقیده و ثقافت پروژه علمی- تحقیقی را زیر عنوان: (روابط متقابل پیامبر اسلام ﷺ و نصاری) برای دانشمند محترم نجیب الله امین سپرده بود که اینک به وقت و زمان بحث خود را زیر نظر استاد رهنما محترم میر محمد شریف "پاکرای" تکمیل نموده است.

محترم استاد نجیب الله "امین" رساله خود را مطابق فهرست تصویب شده در قید چهار فصل به پژوهش گرفته و در فرجام با نتیجه گیری از بحث خود زمینه استفاده را برای کم فرصتان نیز مساعد نموده است.

محقق محترم در جریان تحقیق، مباحث و مطالب را با استفاده از منابع اصلی و معتمد مستند ساخته و شیوه های علمی- تحقیقی قبول شده در مراکز اکادمیک را بکار برده است، تا حد ممکن خلاهای اشاره شده را مرفوع ساخته و حق موضوع را ادا نموده است.

بنده به حیث تقریظ دهنده رسالهء هذا را برای ترفیع به رتبه علمی «محقق» کافی دانسته و چاپ عندالموقع آن را پیشنهاد میکنم. چنانچه توفیق مزید استاد محترم را در راستای خدمات علمی- تحقیقی از بارگاه الله لایزال استدعا دارم، خداوند بزرگ از فضل و رحمت خود برای موصوف در بدل این خدمت بزرگش اجر و پاداش بزرگی را عنایت بفرماید. و ما ذلک علی الله بعزیز

معاون سر محقق عبدالولی "بصیرت"





## تقریظ

اثر علمی (روابط متقابل پیامبر اسلام ﷺ و نصاری) جهت ترفیع علمی محترم معاون محقق نجیب الله "امین" عضو علمی مرکز عقیده و ثقافت معاونیت علوم اسلامی اکادمی علوم به رتبه علمی محقق، ثمره زحمات و تلاش های محقق که جهت ابراز نظر به من محول شده بود واجد ارزش علمی و اثرشایسته بوده، درنوع خود از اهمیت و سودمندی ویژه برخوردار است، بخصوص که عنوان موضوع محور بحث در آن بکر و جدید است که به زبان های ملی تا اکنون کسی به آن تماس نگرفته است. نگارنده، با استفاده از منابع و مآخذ معتبر و متعدد بحث خود را در چهار فصل جاداده است. بعد از مروری به گذشته موضوع به شکل تاریخی در فصل دوم به حقانیت پیامبر اسلام (ص) در متون نصارا پرداخته و در فصل سوم بررسی ماهیت نصرانیت را از دیدگاه قرآن، پیامبر و نصرانیت معاصر نموده، در فصل اخیر چگونگی روابط پیامبر(ص) را با نصاری در دور قبل از بعثت و دور مکی و مدنی و موقف نصاری در برابر اسلام، بالآخره بانیجه گیری از سرپای پروژه، رساله خود را با پیشنهاد های ارزنده خاتمه می بخشد.

من در حالیکه این موفقیت را به محترم معاون محقق نجیب الله "امین" تبریک میگویم به وسیله این اثر ترفیع موصوف را به رتبه علمی محقق تائید و چاپ آن را عندالموقع برای نسل جوان مفید میدانم و در اخیر

بررسی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری

---

موفقیت های مزید ایشان را در راه خدمت هرچه بیشتر به جامعه علمی  
کشور از بارگاه احدیکتای دانا مسألت می نمایم .

با عرض حرمت

محقق خواجه ذاکر "صدیقی"

## مقدمه

إن الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره و نؤمن به و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له و نشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و نشهد أن محمداً عبده و رسوله صلى الله عليه و على اله و اصحابه أجمعين أما بعد:

چنانکه ضرورت بوده که در پرتو روش صلح جویانه اسلامی با کتله عظیمی بنام مسیحیت در بخشی از جهان، حسن روابط برقرار شود و از جهتی که اتصال اسلام به عنوان آئین فطرت و دین صلح با دین اصیل مسیحیت استحکام پیدا کند ضرورت بوده که پیش از این پیرامون موضوع، اثری مشخص به ارمغان گذاشته می شد ولی متأسفانه در این رابطه جز معلومات ها و آثار پراکنده و بدون انگیزه بخشی و اثر گذاری به تعمیم حسن روابط با جهان مسیحیت در افغانستان کاری صورت نگرفته است بناء خواستم که این مقصد را با شیوه نقد و بررسی برآورده سازم، طوریکه در آغاز این کار بحیث پیشینه موضوع اصل توحید را که نظام خلقت از آن منشاء و هستی گرفته و تمام ادیان توحیدی به محور آن می چرخند پس در این سیر نظام توحیدی اسلام و مسیحیت چون دو حلقه متصل در جوار هم هماهنگ و بطور مقایسوی مورد بررسی قرار گرفته است. بناءً باید گفت:

کتاب حاضر گنجینه ای است برای آنانکه در جستجوی حقایق باشند تا گرد و غبار شبهات را از اذهان پاک سازد؛ زیرا تحقیقات بی طرفانه علمی و فلسفی ثابت نموده که طبیعت نمایشگاه و تجلی گاه قدرت، علم و حکمت مطلق خداوندی یا مجموعه توحیدی است و در این مجموعه توحیدی،

آدمی به صفت اشرف مخلوقات برترین عنصریست که با تمام عناصر و اجزای ست طبیعی، با همه وحدت دارد. بر این اساس آدمی از یکسو مثل همه پدیده ها و مخلوقات عالم به لحاظ تکوین، زاده و پروردهٔ دامن طبیعت در پرتو قانون خدا بوده ولی از طرف دیگر، او استثناء در نظام خلقت به نسبت داشتن قدرت خود آگاهی و صلاحیت سر نوشت سازی و دیگر مواهب خاص چنانکه انسانیت وی تحقق یابد تا همه افراد بشر در یک مجموعه یا پیکر واحد انسانی بسیج و تنظیم شوند، در این صورت ضرورت به دسترسی به پیروی از قانون فطری (توحید) دارد که با تائید مطلب فوق موافق به ناموس خلقت، علوم جامعه شناسی و تاریخ به اثبات رسانیده اند که جامعهٔ اولیه (خانواده آدم علیه السلام) به مثابه تن واحد دارای روح و وجدان واحد بود. همه عقیدهٔ واحد (بر مبنای توحید) داشتند. در آن جامعه همه ما بودند و من وجود نداشت. عدالت و مساوات بر آن حاکم بود. مالکیت جمعی و استثمار موجود نبود لیکن بعد از آدم علیه السلام نسبت فزونی و تنوع نعمات مادی و وسایل زیست از همان یک فامیل دارای عقیدهٔ توحید و نظام توحیدی، دو دستگی ایجاد شد: یکی هاییل و دیگری قابیل!

هاییل معتقد به اصول توحید و طرفدار وحدت بشری و مصمم به رفتن به مسیر فطرت با خط پدر به منظور تحقق انسانیت و موجد جامعهٔ ایده آل و نظام برین توحیدی و تمدن شکوهمند بود.

دستهٔ وسیع دیگری در رأس آن قابیل در زیر تاثیر انگیزه های غرایز شهوانی و حیوانی و بنابر گرایش های ماده پرستی از خود و خدا بیگانه شده شخصی خود خواه، شهوت پرست، طماع، حسود، بخیل، ظالم، قاتل ...

عامل نفاق و تفرقه و موجد حامی مناسبات طبقاتی بود. بدینوسیله نظام توحید را بر هم زد و جای (ما) را (من) گرفت.

پس جنگ میان جریان متضاد هایلی و قابیلی در بستر زمان که در واقعیت جنگ بین عقیده توحید و شرک بوده سرنوشت و تاریخ بشر را ساخته و می سازد.

اما در این راستا تحقق نظام هایلی (استقرار نظام توحیدی) مستوجب قبول مشکلات و مرهون مبارزه و ایثار گری هواداران هایلی (پیروان توحید) بوده که در رأس آن پیامبران در ادوار گذشته تاریخ پیشتاز بوده اند.

چنانچه در فصل اول احتیاج فطری بشریت را به مسأله شناخت خدا و توحید نشان میدهد و میرساند که این مسأله یک بحث خشک فلسفی - علمی، کلامی نیست، بلکه یک حقیقت علمی است که این احتیاج و نیاز را، ثنویت، تثلیث، مذاهب بدوی و غیره بر آورده ساخته نمی تواند؛ زیرا توحید تنها شکل حقیقی خدا پرستی است که به انسان یقین، آرامش و امید را می بخشد و او را متعهد می سازد.

گرچه مسیحیت اصلی وقتیکه آلوده به شرک و خرافات نشده بود می توانست این نیاز مندی بشریت را بر آورده بسازد؛ زیرا توحید ناب بود اما چون در گذر زمان در اثر توطئه یک نفر سالار یهودی بنام پولس که در اصل دشمن سر سخت مسیحیت بود، آمیخته با خرافات، بدعت ها و شرک گردید بناء ظهور اسلام پاسخی به این نیاز روحی و فکری بشر در آن زمان تا امروز و برای همیشه بوده است.

چنانکه همه ادیان توحیدی از آدم تا خاتم علیهم السلام و تا ختم جهان

طبق همان خصوصیت به رهنمایی پیامبران در برهه های تاریخ جلوه گری داشته اند و در اوج قله سیر تکاملی ادیان توحیدی، ظهور اسلام به عنوان آئین فطرت و دین : توحید، کامل و تمام، آخرین حلقه کمال و متصل به حلقه دین مسیحی اصیل و پیش از آن اتصال با ادیان دیگر توحیدی دارد. بر اساس همین رابطه نا گسستگی و امیدواری رسیدن به اوج قله تکامل انسانی طوریکه در کتب ادیان توحیدی و بخصوص انجیل اصلی به فرا رسیدن چنین روزی (به بعثت پیامبر اسلام ﷺ) مژده داده شده است. چنانچه همین موضوع در فصل دوم بطور مستند در منابع اصلی متون تحریف شده مسیحی نیز به وضاحت و به علم یقین تذکر یافته است:

۱- در انجیل یوحنا در بیشتر از پنج مورد از حضرت مسیح علیه اسلام حکایت شده که وی شاگردان خویش را به آمدن شخصی پس از خود مژده داده است. چنانچه در باب شانزدهم آن آمده است:

«این برای شما مفید است که من بروم، زیرا اگر نروم فارقلیت (یعنی احمد) نزد شما نیاید و اما اگر بروم، او را نزد شما می فرستم».

۲- در انجیل بر نابا در فصل (۴۲ و ۴۴) آمده است:

«عیسی علیه السلام به بعثت حضرت محمد ﷺ بشارت داده است».

همچنان در فصل (۴۱) آن آمده است: «آدم علیه اسلام زمانیکه از بهشت بیرون شد بر سر دروازه آن نوشته (لا إله إلا الله محمد رسول الله) را دید.

هکذا از نظر مورخ و جامعه شناسان نیازمندی فطری بشر به دین توحید یک حقیقت علمی بوده که دین مسیح علیه السلام نیز در ابتدا توحیدی بود و سپس در اثر مداخله مغرضان دستخوش تحریف، آلوده به شرک و دچار

اوهام، خرافات و انظلام گردیده و به بافته ها خشک و باور های زشت و منافی: فطرت، عقل و علم مبدل شد تا اینکه با استقرار حاکمیت ظالمانه کلیسایی تحت زعامت پاپ ها دوره تاریک هزار ساله قرون وسطی به بخش عظیم جهان انجامید چنانکه در نگویش این اوضاع نکبت بار که هیچ رابطه منطقی با اصل توحید و مسیحیت نداشته در پرتو قرآن و هماهنگ با آن به استناد اعترافات برخی دانشمندان حق بین نصرانی پرداخته شده است که این خود می رساند مسیحیت موجودی چیزی جز بنام، ولی در واقعیت دین مسخ شده ای بیش نبوده که چنین اوضاع برای پیشبرد اهداف استعماری کار سازی شده است که ما در این مبحث بطور مستند به اتکای متون نصرانیان حقایق را روشن ساخته ایم.

در فصل سوم ماهیت نصرانیت که همان مسیحیت اصلی یا دین توحید بوده و با مبادی اسلام هماهنگی دارد، از دیدگاه قرآن و پیامبر اسلام در مبحث اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است.

در هر دو مبحث فوق واضح گردیده که متأسفانه قبل از اسلام مبارزات پیروان توحید به نسبت ناپختگی سیاسی و هم از جهتی که آنها تحت فشار و مظالم بیش از حد مستکبران قرار گرفتند نتوانستند هدف شان را بر آورده سازند. در حالیکه اسلام پس از ظهور براساس همان روابط توحیدی ناگسستنی میان دو دین نه تنها به تائید حقانیت دین اصیل مسیح و به دفاع از عصمت مریم عذری پرداخته و بلکه بروی شفقت و هماهنگی در اصول مبارزاتی ضمن ابراز همدردی و همنوائی با موحدین مسیحی با ذکر داستان قتل اصحاب اخدود و مبارزات برحق اصحاب کهف واقعیت های تاریخی دوران عصر مسیحیت را روشن ساخته است.



همچنان به تائید فرمودهٔ قرآن که حضرت عیسی علیه السلام در اثر توطئه یهودیان که تصور کردند او را بدار کشیدند در حالیکه مشیت خدا بر این رفته بود که آنها به جای عیسی علیه السلام یکتن از یهودیان خود را که مشابه به حضرت عیسی علیه السلام شده بود به دار آویختند و واقعیت امر این بود که خداوند حضرت عیسی علیه السلام را نجات داده و بطرف خود عروج داد که همین مطلب به استناد متون اصلی در همان زمان منعکس گردیده است به تاسی از آن دانشمندان حقیین مسیحی همان اعترافات را دارند که هماهنگ با روحیهٔ قرآن در موضع می باشد.

قرآن در موارد متعدد انجیل اصیل را کتاب آسمانی میداند که این کتاب بعد از مسیح علیه السلام روی همرفته در معرض دستخوش قرار گرفته تحریف و مسخ شد و حقایق از آن خذف و خرافات در آن افزوده شد. آنجا که قرآن می فرماید:

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ  
وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ﴾.<sup>(۱)</sup>

و بدنبال آنها (پیامبران پیشین)، عیسی ابن مریم را فرستادیم در حالیکه تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت؛ و انجیل را به او دادیم که در آن هدایت و نور بود.

قرآن پس از اشاره به نزو انجیل در آیهٔ بعدی می فرماید:

﴿وَلِيُحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

۱- مانده/ ۴۶.

فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ } (۱)

ما به اهل انجیل دستور دادیم که به آنچه خدا در آن نازل کرده است، داوری کنند و کسانی که بر طبق حکم خدا داوری نکنند فاسق اند.

همچنان یکی دیگر از صد ها مسایل حسن نیت اسلام در باره ظهور دو باره عیسی علیه السلام در نزدیک آخر زمان بحیث امت اسلام و به صفت مسلمان و همنوایی برادری پیامبرانه با خاتم پیامبران نقش بسیار گسترده را برای استقرار نظام ایده آل اسلامی در سراسر کره زمین به ارمغان خواهد آورد و این چیزی است که بشر همواره و در نهایت امر آرزوی چنان جامع و نظام ایده آل را در سر می پروراند.

به موجب همین گونه حسن نظر ها و اتخاذ روش های اخلاقی و صلح جویانه پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان بعدی بود که تعداد زیادی از مسیحیانی که مژده ظهور رسول اکرم ﷺ را در کتب آسمانی خوانده و معتقد بودند پس از دریافت واقعیت، رسالت پیامبر اکرم ﷺ را بحیث پیامبر آخر زمان تأیید و به اسلام مشرف شده اند.

آشوک کولن یانگ منشی اسبق اتحادیه جهانی کلیسا ها پس از دریافت واقعیت رسالت پیامبر اکرم ﷺ حین تحقیق پیرامون مقایسه بین ادیان به اسلام مشرف شد.

در فصل چهارم چگونگی روابط پیامبر اسلام ﷺ با نصاری در زمانه های قبل از بعثت، دور مکی و دور مدنی و همچنان موقف نصاری در برابر اسلام در عصر نبوت و در عصر حاضر مورد بررسی قرار گرفته که بطور

۱- همان/ ۴۷.

در مبحث اول روابط رسول الله صلی علیه وسلم در زمان قبل از بعثت با مسیحیان مکه اعم از مردمان آزاد و مسیحیانی که در مسیر کاروانهای تجارتی بین مکه الی شام وجود داشتند و مسیحیان که از طرف راهبان و اسقف ها برای ایجاد ارتباط با رسول الله ﷺ توصیه شده بودند به بررسی گرفته شده و همچنان توطئه های که از طرف بعضی مورخان و مستشرقین مغرض نوشته شده که گویا رسول الله ﷺ اصول دین خود را به کمک جریان حنفاء یا مسیحیانی که در مکه بودند مانند جبر غلام عامر و همچنان به کمک بحیرا و نسطوری تدوین و عرضه نموده است به بحث گرفته شده و دیدگاه قرآن در دفاع از پیامبر ﷺ و رد چنین افسانه ها بحث شده است.

آنچه در تاریخ وضاحت دارد که عیسویت در نواحی حاشیوی شبه جزیره عربستان نفوذ و پیروانی از اعراب داشته در حالیکه در داخل حجاز بخصوص مکه فاقد نفوذ معنوی تبلیغی و سیاسی بوده اند چه تعدادی که از مسیحیان دیده می شدند غلامانی بودند که بدون استشاره و اجازه صاحبان شان اظهار ابراز عقیده نمی توانستند چه رسد به اینکه پیامبر امی ﷺ را تنویر کنند در حالیکه اگر دارای چنین نبوغ فرهنگی در دین خود می بودند چرا خود به عنوان پیامبر یا لا اقل بحیث یک رهبر ممتاز مذهبی جلوه نمی کردند و آنچه در داشتن رابطه غلامان مثل جبر و راهبان مثل بحیرا و نسطوری گفته شده که دشمنان آن ها را استاد پیامبر ﷺ می پندارند در حالیکه چنین داستانها سراب گونه بوده و این توطئه را دشمنان اسلام در لباس مسیحیت براه انداخته اند تا اینکه خود را از یک جهت دوست نشان داده باشند و با زرنگی خاص خواسته اند رابطه پیامبر ﷺ را با منشاء وحی و یا نبوت او را مغشوش و

فاقد اعتبار ساخته او را شخصیت زمینی معرفی کند.

در مبحث دوم روابط نیک و حسنه متقابل فی ما بین رسول الله ﷺ و نصرانی های حقیقی در دور مکی به بحث و بررسی گرفته شده که مثال آن روابط متقابل پیامبر اکرم ﷺ با نجاشی و عداس و آمدن وفد نجران در مکه می باشد که همه اسلام آوردند.

در مبحث سوم آن روابط رسول الله ﷺ با نصاری در دور مدنی بخصوص ارسال رسولان پیامبر ﷺ بسوی زمامداران وقت و بزرگان روحانی نصاری و جوابات مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است که در اکثریت آن رسالت پیامبر اکرم ﷺ مورد تائید قرار گرفته است.

همچنان وفودی که از طرف نصاری بسوی رسول الله ﷺ اعزام شده بودند نیز بررسی شده است.

در مبحث چهارم این فصل موقف گیری مسیحیان در مقابل حسن روابط پیامبر ﷺ در عصر نبوت و در عصر حاضر در (دو بخش) بررسی شده است.

چنانچه وقتی که اسلام بحیث آخرین حلقه اتصال به نصاری ظهور نمود، در جهان کتله عظیمی بنام نصاری بسر می بردند که دچار انحراف و خرافات بوده و در دوره تاریک و هولناک قرون وسطی دست و پا می زدند، در حالیکه نیاز به رستگاری داشتند، اسلام همان چیز را به ارمغان آورد که آنها آرزوی دست رسی به آن را داشتند و آن حقیقت اصل توحید بود.

اسلام در این راستا هیچ یک نصرانیان را مجبور به قبول اسلام نکرد مگر اینکه اسلام بحیث دین توحید آگاهانه و مشتاقانه پذیرفته شود. چه بسا که مسلمانان در صدر اسلام و بعد از آن با نصاری بحیث اهل ذمه چنان پیشامد

## بررسی روابط پیامبر اسلام ﷺ و نصاری

نیکوی داشتند که حتی زمانیکه مسلمانان در جنگ حمص (عهد خلیفه دوم اسلام) بصورت تکنیکی می خواستند عقب نشینی کنند تمام وجوه مالیاتی را که به عنوان جزیه بمنظور سرو سامان بخشیدن زندگی شان گرفته بودند، واپس به آنها مسترد کردند؛ در حالیکه نصرانیان و یهودیان از پیش آمد مسلمانان چنان ممنون و مرهون احسان آنها بودند که انجیل ها و تورات ها را بدست گرفته و دعا و گریه می کردند که خدا ما را از مستکبران رومی در پناهمسلمانان قرار دهد. زود باشد خداوند مسلمانان را دوباره بر سرنوشت ما حاکم سازد .

اما آنهاییکه پدیده استعماری بودند نه خود را تابع قید و شرط به نصرانیت اصلی میدانستند و نه توجه به اسلام داشتند و بلکه درضدیت و دشمنی با اسلام تحت عنوان صلیب که یک پدیده استعماری پیش از نصرانیت در دوران باستان بود از هیچ نوع توطئه و تهاجم فرهنگی و نظامی علیه اسلام دریغ نکردند.

همچنان در اخیر این مبحث شیوه تطبیق حسن روابط متقابل بین اسلام و نصاری در عصر حاضر نشاندهی شده است.

امیدوارم کتاب حاضر بتواند گرد و غبار شبهات را از اذهان پاک سازد و شایقین تشنه لب را سیراب نماید.

همچنان در اخیر لازم میدانم تا از استاد رهنمایم محترم معاون سرمحقق میر محمد شریف پاکرای که با حوصله مندی در نظم و تکمیل این پروژه همکاری بی دریغ نموده است اظهار سپاس و شکران نمایم و در ضمن از همکاری محترم احمد تمیم عثمانی و عبدالصمیم صمیمی نیز قلباً تشکری می نمایم .